

پشت پرده کنسرسیوم غنی سازی

نقشه پنهان واشنگتن چیست؟

ایران آمادگی خود را برای ورود به یک توافق هسته‌ای با ایالات متحده اعلام کرده است. این توافق شامل تشکیل «کنسرسیوم غنی‌سازی اورانیوم» است که ایران بر لزوم استقرار آن در خاک خود تأکید دارد. در حالی که این پیشنهاد به‌عنوان یک مصالحه میان نگرانی‌های هسته‌ای آمریکا و حق ایران برای غنی‌سازی مطرح شده، همچنان جزئیات زیادی مبهم است و واکنش‌های متفاوتی از سوی مقامات ایرانی و آمریکایی به همراه دارد.
چندی پیش وب‌سایت «اکسیوس» خبری منتشر کرد مبنی بر اینکه تهران آمادگی خود را برای ورود به یک توافق هسته‌ای با ایالات متحده اعلام کرده است. این توافق که به‌طور غیررسمی با عنوان «کنسرسیوم غنی‌سازی اورانیوم» شناخته می‌شود، پیشنهاد می‌دهد که یک کنسرسیوم منطقه‌ای برای غنی‌سازی اورانیوم تشکیل شود. با این حال، ایران بر این نکته تأکید کرده که ساختار این کنسرسیوم باید در خاک خود کشور مستقر گردد. این موضع‌گیری که از سوی یک مقام ارشد ایرانی مطرح شده، به‌طور ضمنی به این معناست که ایران احتمالاً از پذیرش کامل پیشنهادات «استیو وینکاف»، فرستاده ویژه کاخ سفید خودداری خواهد کرد و در عوض ترجیح می‌دهد درباره جزئیات آن وارد مذاکره شود.

◀ **مصالحه یا قریب؟**

ایده ایجاد «کنسرسیوم منطقه‌ای غنی‌سازی» یکی از اجزای محوری طرح پیشنهادی استیو ویتکاف است که هفته گذشته به ایران ارائه شد. این طرح در تلاش است تا میان سیاست سختگیرانه دونالد ترامپ مبنی بر ممنوعیت غنی‌سازی اورانیوم در ایران و خواسته‌های ایران برای ادامه این فعالیت در خاک خود، مصالحه‌ای شکل دهد. ایران همواره بر ادامه غنی‌سازی اورانیوم در داخل مرزهای خود تأکید کرده و به‌ویژه از ایجاد ساختارهای خارجی که ممکن است تهدیدی برای امنیت ملی این کشور محسوب شود، اجتناب می‌کند. مقام ایرانی در واکنش به این پیشنهاد، با قاطعیت اظهار داشت: «اگر کنسرسیوم در داخل ایران فعالیت کند، ممکن است ارزش بررسی داشته باشد؛ اما اگر مقر آن در خارج از کشور مستقر شود، قطعاً محکوم به شکست خواهد بود.» در حالی که پیشنهاد ایجاد «کنسرسیوم منطقه‌ای غنی‌سازی» از سوی ایالات متحده در حال بررسی است، هنوز بسیاری از جزئیات آن همچنان مبهم و نامشخص باقی مانده است. بر اساس گزارش «اکسیوس»، محل دقیق استقرار این کنسرسیوم در پیشنهاد رسمی مشخص نشده، اما به نظر می‌رسد که کشورهای اصلی همچون ایالات متحده، ایران و تعدادی دیگر از کشورهای منطقه در این نهاد عضویت خواهند داشت. هدف اصلی این کنسرسیوم ارائه سوخت هسته‌ای به کشورهای است که قصد دارند برنامه هسته‌ای غیرنظامی خود را توسعه دهند. در حالی که تمامی فعالیت‌های آن تحت نظارت دقیق آژانس بین‌المللی انرژی اتمی خواهد بود. این طرح که به‌طور بالقوه می‌تواند به عنوان یک سازوکار جدید در سیاست هسته‌ای منطقه‌ای مطرح شود، در عین حال که به گسترش دسترسی به انرژی هسته‌ای غیرنظامی کمک می‌کند، سؤالاتی در مورد ضمانت‌های امنیتی و چگونگی مدیریت منابع هسته‌ای در منطقه به همراه دارد. این پیشنهاد به‌طور ضمنی تلاش دارد تا میان نگرانی‌های ایالات متحده از تهدیدات هسته‌ای ایران و نیاز ایران به حفظ ظرفیت غنی‌سازی خود، یک نقطه تعادل پیدا کند. به نظر می‌رسد که واشنگتن قصد دارد اعلام کند که ایران دیگر حق غنی‌سازی اورانیوم به‌طور مستقل ندارد، چراکه این فرآیند تحت نظارت یک نهاد منطقه‌ای قرار خواهد گرفت. از سوی دیگر، تهران می‌تواند ادعا کند که «خط قرمز» خود در زمینه غنی‌سازی اورانیوم حفظ شده است، چراکه این فرآیند همچنان در داخل خاک ایران انجام می‌شود و تحت چارچوب توافقی با حضور بازرسان بین‌المللی، امنیت و شفافیت آن تضمین خواهد شد. با این حال، دستیابی به توافقی که تمامی طرف‌ها را راضی باشند، کار آسانی نخواهد بود. چالش اصلی این است که ایران باید به‌طور موقت سطح غنی‌سازی خود را به ۳ درصد کاهش دهد و این کاهش باید در مدت زمانی معین صورت گیرد که هنوز در جریان مذاکرات باقی مانده است. علاوه بر این، تأسیسات غنی‌سازی زیرزمینی ایران باید برای مدت زمانی که طرفین بر سر آن توافق می‌کنند، غیرفعال شوند. فعالیت‌های غنی‌سازی در تأسیسات سطحی ایران نیز به‌طور موقت تنها به تأمین سوخت نیروگاه‌های هسته‌ای محدود خواهد شد.

◀ **مکانیزم ماشه**

وال استریت ژورنال در گزارشی اشاره کرده است که نشست آتی شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی می‌تواند به نقطه‌ای حساس در روند مذاکرات هسته‌ای ایران و آمریکا تبدیل شود. طبق این گزارش، در حالی که گفت‌وگوها بین تهران و واشنگتن ادامه دارد، قدرت‌های غربی به‌ویژه کشورهای اروپایی در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در حال پیشبرد سیاستی تقابلی با ایران هستند که احتمالاً فشار بیشتری بر روند مذاکرات وارد خواهد کرد. براساس اطلاعات به‌دست آمده از دیپلمات‌های اروپایی در وین، اروپا قصد دارد قطعنامه‌ای را در جلسه هفته آینده شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مطرح کند که در آن عدم پایبندی ایران به تعهدات اولیه پادمانی هسته‌ای‌اش مورد اشاره قرار خواهد گرفت. وال استریت ژورنال در ادامه گزارش خود اشاره کرده است که فرانسه، انگلیس و آلمان قصد دارند اقداماتی را در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به منظور فعال‌سازی مکانیزم ماشه آغاز کنند. این اقدام از سوی تهران به عنوان تهدیدی جدی تلقی می‌شود. ایران به‌طور صریح هشدار داده که اگر مکانیزم ماشه فعال شود، این کشور نه تنها از پیمان عدم اشاعه تسلیحات هسته‌ای (NPT) خارج خواهد شد، بلکه تمامی بازرسان خارجی را نیز از کشور اخراج خواهد کرد. گزارش اخیر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از جهاتی همسو با دیدگاه‌های ایالات متحده تنظیم شده است. در این وضعیت، احتمال صدور قطعنامه‌ای رسمی علیه ایران در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بسیار بالا به نظر می‌رسد. اگر ایران نتواند در نشست‌های آتی پاسخ‌های قانع‌کننده‌ای به سوالات و نگرانی‌های مطرح‌شده ارائه دهد یا سطح همکاری خود را با بازرسان آژانس افزایش ندهد، تصویب قطعنامه‌ای که می‌تواند پیامدهای جدی برای برنامه هسته‌ای این کشور به همراه داشته باشد، محتمل خواهد بود.

عبدالصمد خرمشاهی در گفت وگو با «آرمان ملی»:

قتل الهه حسین نژاد یک هشدار است



قتل الهه حسین نژاد نه اولین جنایت با این ویژگی‌ها بوده و نه آخرین آنها

آرمان ملی- احسان انصاری: قتل الهه حسین نژاد دختری که پس از پایان کارش در یکی از سالن‌های زیبایی تهران به مقصد خانه‌سوار یک خودروی شخصی شده بود جامعه ایران را در شوک فرو برد. این در حالی است که از یک طرف نیت قاتل که سرقت تلفن همراه مقتول بوده محل بحث است که نشان دهنده این است که فشارهای اقتصادی افراد دارای زمینه‌های لازم را به سمت جنایت سوق می‌دهد و از طرف دیگر مشخص شدن سرنوشت وی پس از ۱۰ روز محل سوال است که چرا این همه تجهیزات روند رسیدگی به این پرونده تا به این اندازه زمان بر شده است. از سوی دیگر دلایل روانشناختی و جامعه‌شناختی این جنایت و پیامدهایی که برای جامعه دارد نیازمند بررسی است. «آرمان ملی» به این دلیل با عبدالصمد خرمشاهی جرم‌شناسی که وکالت پرونده‌های جنجالی ایران را بر عهده داشته گفت وگو کرده است. خرمشاهی در این زمینه معتقد است: «فردی که در چنین شرایط روانی قرار دارد میل به ارتکاب جرم در او پدید می‌کند. مشکلات و

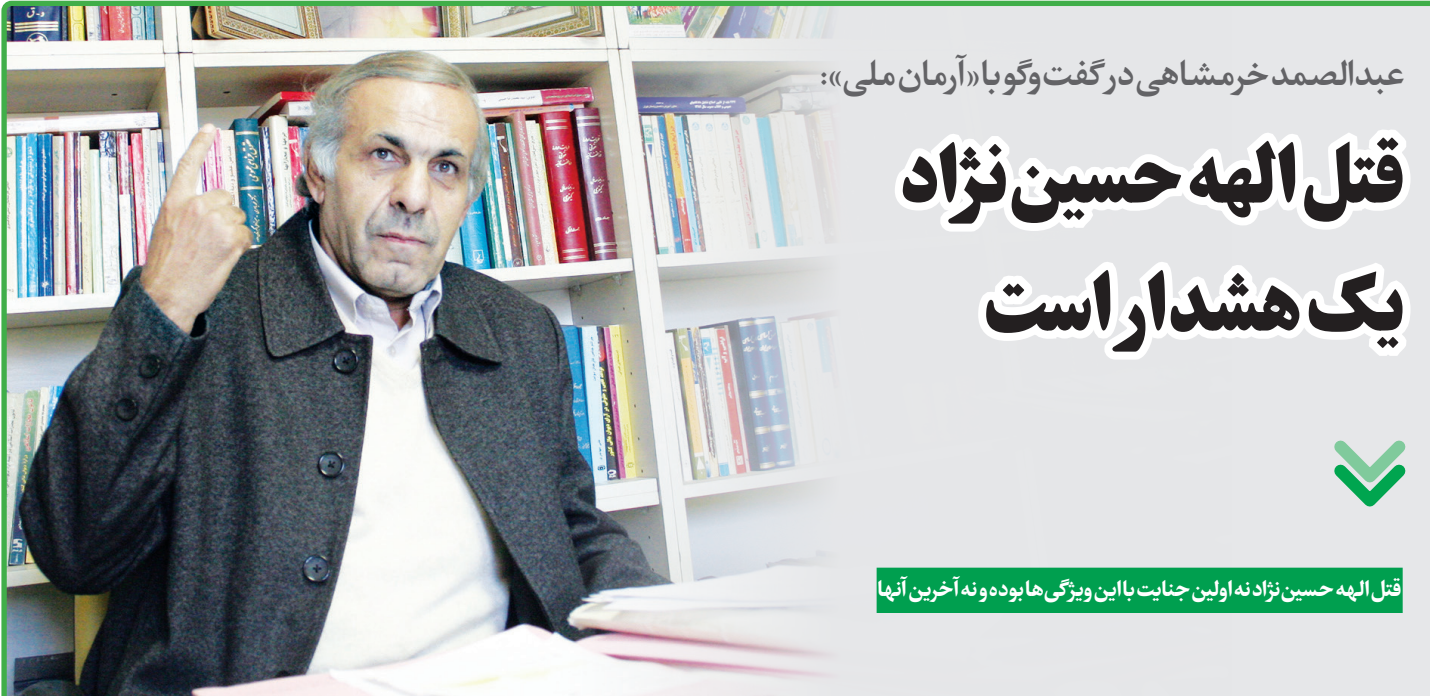
◀ **ارزیابی شما از پروسه مشخص شدن سرنوشت الهه**

حسین نژاد چیست؟

انتظار مردم این بود که پلیس به عنوان حافظ امنیت جامعه، واکنش سریع‌تر و جدی‌تری در این ماجرا از خود نشان بدهد. به هر حال مشخص شدن سرنوشت خانم حسین نژاد بیش از ۱۰ روز طول کشید و در این مدت نیز مطالبه‌گری در فضای مجازی به بالاترین حد خود رسیده بود. البته بهتر این بود که پلیس به موقع وارد عمل می‌شد و اجازه نمی‌داد که کار به اینجا برسد که در نهایت الهه حسین نژاد به قتل برسد. در شرایط کنونی امکانات زیادی در اختیار پلیس قرار دارد و شاید می‌شد جلوی ارتکاب این قتل که جامعه را جریحه‌دار کرده گرفت. نکته دیگر اینکه جنایت در همان روز و ساعت رخ داده و اینکه جنازه چه زمانی پیدا شود دیگر در اولویت نخست قرار نداشته است. در واقع اگر پلیس با ابزارهایی که در اختیار دارد می‌توانست از وقوع این جنایت جلوگیری کند اتفاق خوبی بود. در روزهایی که خبر گرم شدن الهه حسین نژاد منتشر شده بود جامعه متقلب شده و خواستار مشخص شدن سرنوشت ایشان شده بود. پس از مشخص شدن چرایی و جزئیات این حادثه نیز شاهد تأثیر منفی و بسیار بد روی افکار عمومی جامعه و به خصوص زنان هستیم. این اتفاق ذهن زنان جامعه را در زمینه امنیت خود نارام کرده است.

◀ **قاتل الهه حسین نژاد برای سرقت تلفن همراه او به وی حمله کرده و در واقع انگیزه اصلی وی اقتصادی بوده است. با توجه به چالش‌های اقتصادی جامعه به چه میزان احتمال تکرار چنین حوادثی با این نیت وجود خواهد داشت؟**

قتل تکان دهنده و فجیع خانم حسین نژاد نه اولین نوع از این قتل‌ها در جامعه ما بوده و نه آخرین آن خواهد بود. قساوت موجود در این جنایت معلول برخی عوامل روانشناختی و جامعه‌شناختی است. در جامعه‌ای که رفاه نسبی وجود داشته و باشد و برای شهروند امکانات حداقلی وجود داشته باشد آمار جرائم کاهش پیدا می‌کند. با این وجود تا زمانی که اختلاف طبقاتی در جامعه وجود دارد و مشکلات اقتصادی زندگی مردم را تحت تأثیر قرار داده نپایین انتظار یک مدینه فاضله را در جامعه داشته باشیم. چنین جنایت‌هایی محصول جامعه‌ای است که در آن شکاف طبقاتی، چالش‌های اقتصادی، استرس و اضطراب وجود دارد. جوانان جامعه نیازمند مراقبت و محافظت و امید به آینده هستند. در قوه قضائیه معاونت پیشگیری از جرم وجود دارد که مشخص نیست آماری که به صورت سالانه ارائه می‌دهند به چه صورت است؟ وظیفه دولت این است که تا آنجا که امکان دارد زمینه‌های به وجود آمدن جرم و جنایت را کاهش بدهد. زمینه و بستر جرم زمانی به وجود می‌آید که مشکلات در جامعه افزایش پیدا کرده است. هنگامی که جامعه با مشکلات مختلف مواجه است شبیه مردابی می‌شود که میکروب‌ها، باکتری‌ها و حشرات موزی فرصت مناسبی برای رشد و نمو پیدا می‌کنند. در جامعه‌ای که مردم و به خصوص



کمبودهایی که در چنین فردی وجود دارد به مرور زمان انباشته می‌شود و در نهایت در جایی بروز پیدا می‌کند. نکته دیگر اینکه انگیزه‌های جنسی و اقتصادی در قاتل غلیان داشته است. اگر در کنار رفع نیازهای مالی وی از نظر فرهنگی نیز به وی آموزش‌های لازم داده می‌شد و از قبل می‌دانست که در حال ارتکاب چه جنایتی است و چه عاقبتی در انتظار آن است قطعاً دست به چنین کاری نمی‌زد. معمولاً این گونه افراد به سیم آخر می‌زنند و به‌رغم اینکه می‌دانند چه مجازات‌های سختی در انتظار آنهاست به دلیل نیازها و خواسته‌هایی که دارند که نتوانستند به شکل صحیح به آن دست پیدا کنند تلاش می‌کنند با دست زدن به جنایت و تخلف به خواسته‌های خود برسند. این گونه افراد به این نکته آگاهی دارند که عاقبت چنین جنایتی اشد مجازات خواهد بود. با این وجود همه این شرایط سخت را به جان می‌خرند تا به آرزوها و امیالی که سال‌ها در درون خود سرکوب شده است دست پیدا کنند.» در ادامه ما حاصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

◀ **یکی از تفاوت‌های مهم چنین جنایت‌هایی نسبت به جنایت‌های مشابه در گذشته نقش فضای مجازی در روند رسیدگی به این پرونده بوده است. این در حالی است که در روزهای اخیر این موضوع به صورت گسترده در فضای مجازی توسط کاربران دنبال شده است. فضای مجازی چه نقشی در روند این پرونده داشته است؟**

فضای مجازی به نوعی تبلور افکار عمومی جامعه است. افکار عمومی نیز پرسرگراست و در کوچک‌ترین مسائل دخالت می‌کند تا حقیقت مشخص شود. این نگرانی جمعی که حاصل وجدان جمعی جامعه است که در فضای مجازی نمود پیدا می‌کند در روند پرونده تأثیرگذار خواهد بود. زمانی که این آلودگی تکنولوژی در اختیار مردم قرار نداشت بسیاری از مسائل این چنینی به صورت پنهان باقی می‌ماند و چه بسا جنایت‌های هولناکی رخ می‌داد که مردم ماه‌ها بعد از آن مطلع می‌شدند. امروز ما در یک دهکده جهانی زندگی می‌کنیم که مسائل مختلف به سرعت منتشر می‌شود و شهروندان نسبت به آن آگاهی پیدا می‌کنند و نسبت به آن قضاوت می‌کنند. چه بسا فضای مجازی در آینده نقش تعیین‌کننده در مطالبه‌گری و پرسشگری در چنین شرایطی پیدا کند.

◀ **اتفاق رخ داده برای الهه حسین نژاد شباهت‌های زیادی با قتل دانشجو دانشگاه تهران برای سرقت لپتاپ داشت. تکرار چنین اتفاقاتی چه هشدارهایی به جامعه و مسئولان می‌دهد؟**

من کار به شباهت‌های احتمالی این دو جنایت ندارم که ممکن است شباهت‌هایی نیز داشته باشد. با این وجود این جنایت‌ها بیشتر باید هشدار برای مسئولان باشد و نه مردم. امروز در احساسات عمومی جامعه نوعی کرحتی و بی‌حسی ایجاد شده است. البته مشاهده شده که احساسات عمومی در برخی مقاطع فوران پیدا می‌کند اما پس از مدتی به دست فراموشی سپرده می‌شود.

واقعیت این است که چنین اتفاقاتی ممکن است برای هر مسئول و خانواده‌اش نیز رخ بدهد. در گذشته نیز چنین اتفاقاتی رخ داده و برخی مسئولان کشته یا زورور شده‌اند. هشدار بزرگی که این جنایت در دل خود دارد این است که شهروندان باید بیشتر مراقبت کنند. من فکر می‌کنم در این حادثه نیز مرحومه حسین نژاد باید بیشتر مراقبت می‌کرد. البته برخی نه امکانات دارند و نه آگاهی و به همین دلیل نیز گرفتار چنین مشکلاتی می‌شوند.

مسئولان جامعه نیز باید مردم را نسبت به خطرانی که در جامعه آنها را تهدید می‌کند آگاه کنند. نباید صورت مسأله حوادث این چنینی را پاک کرد و بلکه باید آن را آموزش داد. این گونه جنایت‌ها در جامعه ایران حتی به صورت مقطعی کاهش پیدا نکرده و بلکه زیاد هم شده است. به همین دلیل نیز مسئولیت نیروی نظامی و به صورت کلی حاکمیت در این زمینه دو چندان می‌شود. در این حادثه نیز انتظار این بود که تلاش بیشتری از سوی نهاد‌های مربوطه صورت می‌گرفت و آموزش‌های لازم در این زمینه به مردم داده می‌شد.

در این شرایط در موقعیت چندراهی قرار دارد و کاخ سفید تاکنون تصمیم مشخصی درباره نحوه برخورد با ایران نگرفته است. قنادهاشی در پایان تصریح کرد: آمریکا به سمت جنگ نخواهد رفت و اگر چنین سمت در امور مربوط به ایران در هیچ در چهار جنون شده است. در هیچ محاسبه‌ای جنگ با ایران برای آمریکا منطقی نیست.

نمونه بارز آن جنگ یمن است که آمریکا در برابر آن عقب نشینی کرد. آمریکایی‌که توان مقابله با یمن را ندارد، قطعاً نمی‌تواند وارد جنگ نظامی با ایران شود. جنگ طولانی مدت با ایران، آمریکا را به دلالتی طولانی و پرهزینه می‌کشاند و حتی ممکن است به ایران جهانی منجر شود، زیرا روسیه و چین شرایط متشنج خاورمیانه را تحمل نخواهند کرد و ممکن است وارد جنگ شوند. بنابراین، جنگ با ایران برابر است با جنگ جهانی.

مهندسی معکوس در دیپلماسی هسته‌ای



محمد محمودی

فعال رسانه

اگر این نکته را بپذیریم که سیاست‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران کاملاً از دیپلماسی هسته‌ای متأثر بوده است، این تعبیر هم پذیرفتنی است که امروز مذاکره با آمریکا برای جمهوری اسلامی ایران تبدیل به یک مهندسی معکوس در دیپلماسی هسته‌ای و اثر آن بر سیاست‌های منطقه‌ای بالخصوص در ۲۰ سال گذشته شده است که یقیناً با ادامه همین روند و تمرکز بر موضوع «غنی‌سازی» به دو دهه جنگ رسانه‌ای و شانتاژ خبری رژیم صهیونیستی در منطقه با کلیدوازه «ایران اتمی» پایان خواهد داد.

دوقطبی دروغین «ایران اتمی» در مقابل «حمله آمریکایی- اسرائیلی» برای دفع آن، سالیان مدیدی است برای کشورهای منطقه غرب آسیا به‌ویژه کشورهای حاشیه خلیج فارس، تبدیل به یک انتخاب ناگزیر شده و آنها با باید تحمل ایران با بمب اتم را انتخاب کنند یا هزینه دفع آن را با حمله «حمله آمریکایی- اسرائیلی» بپردازند! انتخابی ساختگی و اسرائیلی که متأسفانه نه تنها ژئوپلیتیک این منطقه حساس جهان را سال‌هاست از خود متأثر ساخته، بلکه سیاست‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران را هم دچار تردیدها و تلاطم‌های مکرر در میان همسایگان، کشورهای منطقه و حتی سایر ممالک اسلامی کرده است.

مهندسی معکوس در دیپلماسی هسته‌ای مبنایی به نام غنی‌سازی مشترک دارد که جایی در برجام نداشت و به همین علت هم عربستان سعودی را در مقابل آن، کنار اسرائیل قرار داد تا ترامپ به خروج از برجام کاملاً ترغیب شود. امروز اما «نود دیپلماسی هسته‌ای نظام» با اینکه ظاهراً در مذاکره با آمریکا در جریان است ولی در باطن به یک مصالحه منطقه‌ای پایدار با اشتراک هسته‌ای، توجه ویژه دارد. این همان مهندسی معکوس در برجام به عنوان نماد دیپلماسی هسته‌ای است که نقطه نقل مذاکرات هسته‌ای را از «ژنو، وین و نیویورک» به «مسقط، دبی و ریاض» آورده است.

«پیشنهاد پرینستون» با مبنایی به نام غنی‌سازی مشترک ایرانی- عربی، پادزهر ۲۰ سال افراطی‌گری آمریکایی در زمین بازی اسرائیلی‌ها نیست به برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران است که رویکردهای مطلق‌گرایانه و بن‌بست‌سازگشته به‌راه مدلی قابل قبول برای هر دو طرف تبدیل کرده و ایران را به جای یک تهدید اتمی به «شریک اتمی»، عمان، عربستان سعودی، امارات متحده عربی تبدیل خواهد کرد.

اتفاق که حتی شنیدنش هم برای رژیم صهیونیستی کابوس است چه برسد به تحقق میدانی آن مثلاً در مکران و عمان! علت اینکه چرا ترامپ بر مذاکره با ایران و تلاش برای موفقیت آن به‌رغم مخالفت‌های بنیادین رژیم صهیونیستی- اصرار دارد را باید در خروج استراتژیک ترامپ از سیاست «اول اسرائیل» در سیاست خارجی ایالات متحده جست‌وجو کرد که با راهبرد «نه دوست ابدی، نه دشمن ابدی»، به این باور منطقی رسیده که کلید ثبات در منطقه را نمی‌تواند در جنگ با ایران پیدا کند.

از سوی دیگر ترامپ با شعار «اول آمریکا» عملاً نشان داده که حاضر نیست شریک عواقب اتی «نسل‌کشی عربی» اسرائیلی‌ها شود و به‌جای آن می‌خواهد منافع اتی خود را در حاشیه خلیج فارس، مضائق کند. فراموش نکند که چراغ مذاکره فعلی ایران و آمریکا با اعلام آمادگی سرمایه‌گذاری هزار میلیاردی آمریکایی‌ها بر تمرکز بر حوزه نفت و انرژی روشن شد، چراغی که می‌تواند با تأسیس اولین منطقه آزاد هسته‌ای ایران با سرمایه‌گذاری آمریکایی‌ها شکل عملیاتی به خود گرفته و دستاوردهای فناوریانه کشور را به عنوان پیشروان علمی در خدمت یک سازمان چندملیتی منطقه‌ای قرار دهد.

این همان مهندسی معکوس در دیپلماسی هسته‌ای است که ایران را به جای یک تهدید اتمی به «شریک اتمی» عمان، عربستان سعودی، امارات متحده عربی و آمریکا را به عنوان مهم‌ترین سرمایه‌گذار بخش انرژی هسته‌ای ایران تبدیل خواهد کرد. مسلم است در چنین شرایطی از مهندسی معکوس دیپلماسی هسته‌ای، سیاست‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران هم گسترش و ثبات بیشتری خواهد یافت. «پیشنهاد پرینستون» اشاره به طرح دانشمندان هسته‌ای دانشگاه پرینستون آمریکا برای حل مسأله هسته‌ای ایران دارد که فو ن هیل، «الکساندر گلاسر»، «ضیا میان» و «سیدحسین موسویان» متخصص سیاست هسته‌ای خاورمیانه دانشگاه پرینستون هستند.